



کریدور زنگه زور و شکل گیری نظم ژئوپلیتیک جدید در قفقاز

رضا دهقانی^۱ علی درزلو^۲

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

کریدور زنگه زور که جمهوری خودمختار نخجوان را به خاک اصلی جمهوری آذربایجان متصل می کند، در صدد آن است تا ژئوپلیتیک منطقه قفقاز را به نفع آذربایجان و ترکیه بر هم بزند و در عوض ارمنستان و ایران را در تنگنا و تهدید ژئوپلیتیکی قرار دهد. در خصوص نحوه احداث، نقاط ترانزیتی و محل قرارگیری این کریدور گمانه زنی های بسیاری وجود دارد به طوری که منجر به مداخله روسیه، فرانسه و در مواردی نیز آمریکا در این موضوع شده است. با بهره برداری احتمالی از این کریدور، دگرگونی های بزرگی هم در روابط منطقه ای کشور ها و هم در روابط فرا منطقه ای رخ خواهد داد که همین امر ممکن است موجب بازتولید بحران های تازه و واگرایی و همگرایی بین کشورهای منطقه شود که در نتیجه آن چهره منطقه به کلی دچار دگرگونی شود. پرسشی که در این نوشتار مطرح است آن است که کریدور زنگه زور چه اثری بر ژئوپلیتیک قفقاز و روابط بین کشور های منطقه می گذارد؟ با توجه به نقش آفرینی کریدور زنگه زور در روابط رسمی و غیر رسمی بین ایران، جمهوری آذربایجان و ارمنستان و تاثیرات زیادی که بر قفقاز دارد از نظریه «ژئوپلی نومیک» به عنوان چارچوب نظری در این پژوهش بهره گیری شد. روش تحقیق در این مقاله روش «توصیفی و تحلیلی» است که اساس آن استدلال

^۱ رشته مطالعات ترکیه، گروه مطالعات غرب آسیا و آفریقا، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، ایران، ایمیل:

rdehghani@ut.ac.ir

^۲ عضو انجمن ایرانی مطالعات غرب آسیا، شعبه قزوین، ایمیل: ali.darzloo@ut.ac.ir

منطقی و سلسله مراتب علت و معلول می باشد. یافته های پژوهش نشان می دهد که موقعیت استراتژیک قفقاز و همسایگی با روسیه و پیوندهای هنجاری کشورهای منطقه با آذربایجان و ارمنستان سبب شده است تا کشورهای منطقه و فرامنطقه ای برای کسب منافع خود به کنشگری در داستان کریدور زنگه زور پرداخته و به فراخور توانایی خود به ایفای نقش بپردازند.

کلید واژه ها: کریدور زنگه زور، ایران، ارمنستان، جمهوری آذربایجان، ژئوپلیتیک، پان تورانیسم، رقابت

مقدمه

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، مناقشه بر سر مالکیت قره باغ بین آذربایجان و ارمنستان شدت گرفت که منجر به جنگ و تصرف قره باغ و بخشی از خاک آذربایجان توسط ارمنستان شد. از همان آغاز مناقشه کشور های مختلفی برای حل و فصل این بحران میانجیگری کرده یا پیشنهاد آن را داده اند اما به راه حل قطعی منجر نشد واقعیت آن است که این بحران هیچگاه یک مسئله منطقه ای و محدود نبوده و حضور کشورهای مختلف و منافع متعارض آنها و جنگ های پیاپی و کشتار و آوارگی مردم ساکن این منطقه نشان از اهمیت بسزای آن در معادلات منطقه ای و حتی جهانی دارد. اما طی سال های اخیر بحثی که شاید به اندازه قره باغ اهمیت یافته است و به جرأت می توان گفت مهمترین مسئله قفقاز جنوبی را تشکیل می دهد؛ موضوع احداث کریدوری است که به عنوان یک ارزش جغرافیایی موجب تحت تاثیر قرار دادن چندین کشور شده و در نهایت جمهوری

خودمختار نخجوان را به خاک اصلی جمهوری آذربایجان متصل می کند. درخصوص نحوه احداث، نقاط عبوری و اهداف این کریدور گمانه زنی های بسیاری وجود دارد که علاوه بر تأثیرگذاری مستقیم بر سه کشور ایران، ارمنستان و جمهوری آذربایجان و روابط متقابل آنها، موجب حضور و نقش آفرینی قدرت های دیگر مانند ترکیه و روسیه، اتحادیه اروپا و تا حدودی اسرائیل نیز شده است که البته آمریکا نیز کم و بیش با کنش ها و اقداماتی نظیر تمرینات مشترک نظامی با نیروی های ارمنستان، گویا علاقمند به نقش آفرینی در این مسئله است. البته ذکر این نکته ضروری است که دخالت های منطقه ای و فرا منطقه ای دولت های ذی نفع موجب تعمیق بحران شده است، به عنوان نمونه ورود جدی و مستقیم ترکیه به این مناقشه موجب تغییر موازنه به نفع جمهوری آذربایجان شده است. پرسشی که اینجا مطرح می شود این است که چه عواملی موجب دخالت بازیگران مختلف در این پروژه شده و هر یک از بازیگران به دنبال چه منافع هستند و کریدور زنگه زور چه اثری بر ساختار ژئوپلیتیک منطقه و روابط بین کشور های منطقه می گذارد؟

اهمیت پژوهش حاضر در آن است که درصدد شناخت تحول ژئوپلیتیکی سه کشور ایران، آذربایجان و ارمنستان در پی اجرای

این پروژه به طور مستقیم و تأثیرگذاری آن بر ژئوپولیتیک کشورهای چون ترکیه، کشورهای آسیای مرکزی و روسیه به طور غیر مستقیم است و اینکه در نهایت این پروژه چگونه چهره ژئوپلیتیکی منطقه را دگرگون خواهد کرد.

درخصوص ادبیات و پیشینه پژوهش گفتنی است آثار چندی اعم از کتاب و مقاله و پایان نامه در این خصوص پدید آمده است که به اهم آنها اشاره می شود: احمد رشیدی (۱۴۰۲) در مقاله ای با عنوان «کریدور میانی و منافع ایران در قفقاز جنوبی» بیان می دارد که: «ایجاد کریدور زنگه زور در خاک ارمنستان، بر پایه برنامه های اعلام شده از سوی محور جمهوری آذربایجان-ترکیه می تواند توازن منطقه ای قدرت را به ضرر ج.ا.ایران تغییر دهد؛ بنابراین پیشبرد این پروژه تهدیدی امنیتی علیه منافع ژئوپلیتیک و اقتصادی ج.ا.ایران تلقی می شود که اهم موارد آن عبارت اند از: امکان تغییر ژئوپلیتیک مرزها از طریق انسداد مرز زمینی ایران و ارمنستان؛ امکان همگرایی ارمنستان با بلوک غرب و تشدید تنهایی استراتژیک ج.ا.ایران؛ کاهش مزیت های ترانزیتی ایران در کریدور شمال-جنوب؛ افزایش نفوذ ترکیه در منطقه؛ به مخاطره افتادن حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی از طریق پیشبرد طرح پان ترکیستی و احیای قوم گرایی آذری؛ تقویت حضور ناتو، اسرائیل و روسیه در مرزهای شمالی کشور».

زهرا مشفق (۱۴۰۱) در مقاله ای با عنوان «پیامدهای ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی اجرای مسیر زنگه زور بر امنیت اقتصادی ایران» بیان می کند که: «اجرای شدن مسیر زنگه زور نقطه عطفی در تحولات ژئوپلیتیکی منطقه اوراسیا به شمار می آید و بر ترتیبات و معادلات ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک این منطقه اثرگذار است. کاهش اهرم فشار و قدرت چانه زنی ایران نسبت به ترکیه و جمهوری آذربایجان، ایجاد پیوستگی جغرافیایی بین کشورهای عضو سازمان کشورهای ترک زبان از پیامدهای اجرایی شدن مسیر زنگه زور به شمار می آیند.

عبد الوهاب آکینجی و سعیمه گول کابا (۲۰۲۳) در مقاله ای با نام «اهمیت ژئوپلیتیکی قفقاز: نمونه ای از قره باغ کوهستانی و کریدور زنگزور»^۱ بیان می کنند که: «قفقاز که در طول تاریخ از اهمیت ژئوپلیتیکی برخوردار بوده است نیز به عنوان منطقه درگیری قدرت های منطقه ای مورد توجه قرار گرفته است. پس از جنگ دوم قره باغ، دوران جدیدی با پذیرش شکست ارامنه و پیشروی ارتش آذربایجان به سمت بخش قابل توجهی از

^۱ Abdolvahap AKINCI ve Sayime Gül KABA(2023), Kafkasya'nın Jeopolitik Önemi: Dağlık Karabağ ve Zengezur Koridoru Örneği, 9(1), 88-106.

سرزمین های قره باغ آغاز شد. ایجاد ارتباط مستقیم بین ترکیه و جهان ترک از طریق کریدور زنگزور هم برای ترکیه و هم برای جهان ترک بسیار مهم است».

علی درزلو (۲۰۲۳) در پایان نامه خود با عنوان «گفتمان ها و مولفه های دیپلماسی فرهنگی ترکیه در آسیای میانه در دوره حزب عدالت و توسعه (۲۰۲۱-۲۰۰۲)»^۱ بیان می کند که: « زمانی که ترکیه از راه زمینی به آسیای مرکزی برسد، ایران ممکن است بیشترین آسیب را متحمل شود. چون آذربایجان دو تکه است و به دلیل دشمنی با ارمنستان روابط این دو بخش بیشتر از راه ایران انجام می شود. به عبارت دیگر، ارتباطات جمهوری خودمختار نخجوان و آذربایجان به وسیله ایران انجام می شود و از این رو آذربایجان از نظر استراتژیک به ایران وابسته است. اگر کریدور زنگزور ساخته شود، علاوه بر آذربایجان، ترکیه نیز از راه این جاده به آسیای میانه متصل خواهد شد و به این ترتیب ایران هم حق ترانزیت خود را از آذربایجان از دست می دهد و هم دیگر جایگزینی برای کشورهای آسیای میانه برای رسیدن به دریا نخواهد بود. پیامدهای این رویدادها به معنای از دست دادن نقش استراتژیک و منافع اقتصادی آن برای ایران است».

¹ ALI DARZLOO (2023), ORTA ASYA'DA AK PARTİ DÖNEMİNDE TÜRKİYE KÜLTÜREL DİPLOMASİSİNİN SÖYLEMLERİ VE BİLEŞENLERİ (2002_2021), Yüksek lisans tezi.

در مقاله احمد رشیدی اشاره به تاثیرات این کریدور بر ارتباطات دو یا چند جانبه کشورهای که از آن متاثر می شوند نشده و به آن پرداخته نشده است که این مهم با توجه به نگاه جدیدی که آمریکا به این جنگ کرده است می تواند مبحث جدیدی باشد. در مقاله زهرا مشفق نیز همین مطالب دیده می شود که کمتر به این روابط پرداخته اند و البته در قسمت پیشنهادهای خود، پیشنهاد عضویت ایران در سازمان کشورهای ترک زبان را ارائه می کند که این سخن با توجه به دیدگاه ترکیه به این سازمان و اهدافی که این سازمان دارد بسیار به زیان منافع ملی ایران و در جهت افزایش قدرت نرم ترکیه در ایران خواهد بود. در مقاله عبد الوهاب آکینجی و سعیمه گول کایا نیز بیشتر به اهمیت این کریدور برای جهان ترک پرداخته شده است که البته استفاده از مفاهیمی چون «اشغال» برای قره باغ نشان دهنده جهت دار بودن این نوشته است. علاوه بر این نگارندگان به تاثیرات این کریدور بر سایر کشورهای منطقه و فرا منطقه اشاره نکرده اند. علی درزلو نیز در پایان نامه کارشناسی ارشد خود تاثیرات این کریدور را بررسی کرده است اما به تاثیراتی که این کریدور بر روابط قدرت و روابط دو جانبه بین کشورهای منطقه خواهد گذاشت نپرداخته است اما پژوهش حاضر تلاش دارد این نقصان را پوشش داده و کریدور زنگه زور را در یک روابط چندجانبه

بین کشورهای منطقه و فرامنطقه مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.

روش تحقیق در این مقاله روش «توصیفی و تحلیلی» است که اساس آن استدلال منطقی و سلسله مراتب علت و معلول می باشد. بنابراین به نظر می رسد که این روش از قدرت توضیح دهنده بیشتری در این پژوهش برخوردار باشد.

۱- چارچوب نظری: نظریه ژئوپلی نومی

استفاده از «ژئوپلی نومی» به عنوان یک چارچوب مفهومی نیازمند درک هر دو جزء آن یعنی «ژئوپلیتیک» و «ژئواکونومی» است. جورج دمکو و ویلیام وودز در سال ۱۹۹۴ اصطلاح «ژئوپلی نومی» را مطرح کردند. ژئوپلی نومی در واقع یک رژیم غیر رسمی حاکم بر روابط کشورها برای روابط اقتصادی و همکاری های منطقه ای، همزمان با رعایت نگرانی ها و دغدغه های ژئوپلیتیکی است. این مفهوم ابزاری برای تحلیل پدیده هایی چون راه گذر های حمل و نقلی، مسیر های حمل و نقل انرژی و روابط تجاری میان کشورها ضمن توجه به مسائل امنیتی میان آن ها و رقابیشان است. بنابراین اصطلاح «ژئوپلی نومی» در درون خود مفهوم «ژئواکونومی» و «ژئوپلیتیک» را نهفته دارد و از ترکیب عوامل اقتصادی و سیاسی با مرکزیت جغرافیا شکل گرفته

است. همچنین ژئوپلی نومی بیانگر افزایش اهمیت اقتصاد سیاسی در معادله های جغرافیایی است (امیری و فلاحی، ۱۴۰۱: ۷۹-۸۰).

در عصر ژئوپلی نومی یک جهانی بنادر، کریدور های بین المللی و موقعیت های ژئوترانزیتی مناطق جغرافیایی و همچنین ژئوپلیتیک انرژی و مسیر های انتقال آن، محوریت بازی قدرت ها را تشکیل می دهد به گونه ای که بازی بزرگ جدید با محوریت این مولفه های ژئوپلی نومی یک در آسیای مرکزی-اوراسیا به عنوان منطقه هسته ساختار بزرگ با بازیگری بازیگران مهم بر سر منابع بسیار غنی انرژی، مسیر های کریدوری انتقال کالا و انرژی و راه های دسترسی به این منطقه از راه بنادر ژئواستراتژیک شکل گرفته است (نورعلی و پیشگاهی فرد، ۱۴۰۰: ۶۱) با توجه به نقش آفرینی کریدور زنگه زور در روابط غیر رسمی بین ایران، جمهوری آذربایجان و ارمنستان و تاثیرات زیادی که بر ترکیه دارد، همچنین با توجه به نیاز ترکیه به بازیگری با این کریدور برای انتقال منابع بسیار غنی انرژی آسیای میانه به اروپا به نظر می رسد این نظریه از ویژگی توضیح دهندگی بیشتری برخوردار است.

۲- بسترهای شکل‌گیری رقابت‌های ژئوپلیتیکی

مفهوم رقابت در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، یکی از بنیادهای اساسی این دانش است که پویایی و تحرک ژئوپلیتیک با توجه به این مفهوم خواست‌های متفاوت و متعارضی را نمایش می‌دهد. به نظر می‌رسد خواسته‌ها و نیازهای انسان سیری ناپذیر است، بنابراین، برای تامین قدرت و منزلت ژئوپلیتیکی به اقدامات رقابتی دست می‌زند، همچنان که فلسفه قانون رقابت، استیلا، برتری و دست‌یابی به فرصت‌هاست. رقابت که مقیاس‌های متفاوتی از محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی به خود می‌گیرد، سبب دسترسی حکومت‌ها و گروه‌ها به منابع فضایی (اعم از مادی و معنوی) می‌شود. از سوی دیگر، منافع مشترک مادی و معنوی در رقابت ژئوپلیتیک جای خود را به منافع تقابلی می‌دهد. همانطور که از منافع مشترک، همکاری، پیمان و ژئوپلیتیک صلح حاصل می‌شود، اما از منافع تقابلی، رقابت، منازعه و جنگ شکل می‌گیرد. رقابت تلاش دو یا چندگروه، ملت و کشور برای نفوذ یا سلطه در منطقه یا جهان یا دسترسی به منابع فضایی (اعم از مادی و معنوی) است. رقابت در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک بدون مقیاس معنا ندارد و فلسفه قانون رقابت، استیلا، برتری و دستیابی به فرصت‌هاست.

در این بین، اقدامات عملی برای رهبری یا نفوذ در یک کشور، منطقه یا جهان شکل رقابت به خود می گیرد. ممکن است حوزه و منشأ رقابت، سرزمین، ناسیونالیسم، کمبود منابع، قدرت و اقتصاد باشد. از درون این رقابت ها، ائتلاف و رقابت های تسلیحاتی شکل می گیرد. باید توجه داشت که در رقابت، دو یا چند قدرت به طور همزمان اقداماتی می کنند تا از ارزش های جغرافیایی (مادی و معنوی) سهم بیشتری کسب کنند. رقابت در صورت استمرار و کسب احاطه بر ارزش های رقیب ممکن است به «منازعه ژئوپلیتیکی» تبدیل شود (احمدی و دیگران، ۱۳۹۷: ۴۸). باید توجه داشت که ایجاد روابط ژئوپلیتیکی بر نفوذ یا سلطه مبتنی است (دالبی و روتجلد، ۱۹۹۴: ۱۵).

هدف اصلی در ژئوپلیتیک برتری خواهی / سلطه و ایجاد کنترل بر امور مناطق و جهان است (مجتهد زاده، ۱۳۸۷: ۱۳۷). در مجموع، رویکرد ژئوپلیتیک مجموعه پیچیده ای از قدرت های رقیب، متخاصم و متعددی است که به منظور نفوذ و تسلط بر مقیاس های مختلف سرزمینی و فضایی، یا به این منظور که با میل یا زور برتری سیاسی خود را برقرار، یا رقبای خود را از میدان رقابت خارج کنند به رقابت می پردازند. قدرت های حاضر در میدان رقابت، خواه فضا های بزرگ مثل منطقه، خواه فضا های کوچک مانند یک کشور و غیره حقوق مادی و معنوی،

برداشت ها و مالکیت خود را ارائه می دهند که این حقوق و برداشت ها در اغلب موارد متناقض است (احمدی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۰۲). با توجه به این که کریدور زنگه زور یک ارزش جغرافیایی است که محل رقابت چندین کشور مهم منطقه ای و فرا منطقه است و احداث آن چهره ژئوپلیتیکی منطقه را تحت تاثیر قرار خواهد داد و باعث نفوذ بیشتر چندین کشور در منطقه قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی شده که همین موجب کاهش نفوذ چندین کشور خواهد شد و همین باعث جابه جایی شکل رقابت و جابه جایی نقش های ژئوپلیتیکی می شود که این توضیحات را در روابط بین ایران و ارمنستان و ترکیه آذربایجان و حامیان منطقه ای و فرا منطقه ای آن ها خواهیم دید.

۳- موقعیت جغرافیایی کریدور زنگه زور و تاثیرات آن



نقشه ۱: کریدور زنگه زور. منبع: بایبورت گوندم (قابل دسترسی در

، <https://www.bayburtgundem.com/zengezur-koridoruturan-yolu-aciliyor>

(2023.09.20)

منطقه زنگزور که در سال ۱۸۶۱ تأسیس شد، توسط رشته کوهی احاطه شده است (اکینجی و کابا، ۲۰۲۳: ۱۰۰) که مسیر میانی آن از باکو تا شهر قارص در ترکیه ترسیم شده است. در این مسیر که به گذرگاه زنگه زور موسوم است، حدود ۴۰ کیلومتر آن از خاک ارمنستان می گذرد (رشیدی، ۱۴۰۲: ۳۷-۳۸).

ارزش استراتژیک این کریدور جنوبی قابل مقایسه با ارزش استراتژیک لاجین در محور ارمنستان به استاپاناکرت نیست.

کریدور لاجین تنها برای ارمنستان مهم است ولی کریدور مقری

برای قدرت های منطقه ای، جهانی و کمپانی های بزرگ انرژی و حتی دور زدن ایران و یا ایجاد کمربند قومی در شمال ایران اهمیت فراوانی دارد (اخباری، ۱۳۹۹: ۲۸). تعدد بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای حول این کریدور و نشست ها و بیانیه های متعدد نشان از اهمیت زیاد این کریدور و اثرگذاری آن و ارزش استراتژیک آن نزد کشور های منطقه و فرامنطقه است. در واقع این طرح اکنون مهمترین مسئله در قفقاز جنوبی به شمار می رود که بازیگران متعدد را حول یک ارزش جغرافیایی جمع آوری کرده است و بر روابط رسمی و غیررسمی این ذینفعان تاثیر دارد.

۴- اثرات طرح کریدور زنگه زور بر جمهوری آذربایجان

بحران قراباغ در دهه های گذشته همواره از متغیرهایی بوده است که مانع تکمیل پروژه های انرژی و بهره وری بیشتر این کشور و حتی کل منطقه قفقاز جنوبی شده است. در صورت تحقق دالان تورانی، باکو می تواند در تنوع بخشی به انرژی اروپا فعال باشد. با افزایش صادرات گاز طبیعی (سالانه بیش از ۱۰ میلیارد متر مکعب) به اروپای جنوب شرقی، اهمیت انرژی دریای کاسپین را به عنوان جایگزینی برای گازپروم روسیه افزایش می دهد. لذا، خطوط لوله و کریدورهای انتقال انرژی از جمهوری آذربایجان

از طریق گرجستان به ترکیه، منابع دریای کاسپین را به روی جنوب شرقی اروپا و غرب آسیا باز کرده است و این نفوذ جمهوری آذربایجان در چندین کشور مدیترانه ای را به دنبال دارد (امیری و کاظمی، ۱۴۰۰: ۳۶-۳۷).

با فعال شدن کریدور زنگه زور وابستگی ترکیه و آذربایجان به ترانزیت از خاک ایران از بین می رود و بدین ترتیب ایران از این مزیت ژئواکونومیک و درآمدهای حاصل از عوارض عبور کامیون های این کشورها محروم می شود. جمهوری آذربایجان در شرایط انسداد مرز زمینی خود با ارمنستان، برای ترانزیت کالا و مسافر به نخجوان به ایران وابسته است. با از بین رفتن وابستگی های ترانزیتی این کشورها به ایران در نتیجه آغاز به کار کریدور زنگه زور یا عادی سازی روابط با ارمنستان، ایران از درآمدهای ناشی از آن محروم می شود. در این حالت، ترکیه و آذربایجان حتی می توانند بنا به اقتضائاتی در مسیر ترانزیت ایران به اروپا اخلال ایجاد کنند. به باور مجتبی بهاروند، رئیس سابق کمیسیون حمل و نقل اتاق بازرگانی ایران، با احداث این کریدور، نه تنها برخی مزیت های اقتصادی ایران از دست می رود، بلکه در آینده نیز ایران فرصت صادرات به اروپا را باخته است (رشیدی، ۱۴۰۲: ۴۱-۴۲).

تصاویری که رسانه های باکوئی از روند ساخت این کریدور
مخابره می کنند حاکی از پیشرفت ۷۰ درصدی ساخت آن است.
این کریدور در واقع همان طور که در نقشه ۱ نیز مشخص است
در منطقه حساسی واقع شده است. در واقع این کریدور ۳ کشور
ایران، ارمنستان و جمهوری آذربایجان را به طور مستقیم و
کشورهایی چون ترکیه، روسیه و منطقه آسیای میانه را به طور
غیر مستقیم تحت تاثیر قرار می دهد. با توجه به محصور بودن
جمهوری آذربایجان در خشکی و عدم دسترسی به آب های آزاد
و از طرف دیگر دو تکه بودن این کشور، طبیعی است که این
کریدور اهمیت زیادی برای جمهوری آذربایجان داشته باشد تا
هم از این تنگنای ژئوپلیتیکی خارج شود و هم کشور معبرش
متحد استراتژیک وی یعنی ترکیه باشد. باکو با ایجاد این کریدور
دیگر یک کشور بروننگان نخواهد بود و با فائق آمدن بر این
مشکل ژئوپلیتیکی خود، به ناپیوستگی جغرافیایی خود و سخت
بودن ارتباط بر ۵۵۰۰ کیلومتر مربع از قلمرو و حدود ۴۰۰ هزار
نفر از اتباع خود پایان می دهد و به همین دلیل است که باکو
هزینه های جنگ با ارمنستان را پذیرفت و ایجاد این کریدور
محوریت نقش آفرینی ترکیه و باکو در قفاز جنوبی شد و اکنون
نیز سعی بر این دارند تا ژئوپلیتیک انرژی و مسیر های انتقال آن
را با این کریدور تغییر دهند.

۵- کریدور زنگه زور و ایران

تکمیل حلقه زنگه زور و فعال شدن کریدور میانی، از طریق از بین بردن مزیت‌های رقابتی عبور کریدور شمال - جنوب از ایران و حتی ایزوله کردن آن از طرح کمر بند - جاده چین، به شدت منافع ایران را تهدید می کند. ساخت پروژه زنگه زور ممکن است موجب قطع شدن مسیر ترانزیت ایران با گرجستان و دریای سیاه و عدم تحقق پروژه کریدور اقیانوس هند - دریای عمان - خلیج فارس - ایران - ارمنستان - گرجستان - دریای سیاه و ترکیه شود و موجب وابستگی ایران به خطوط حمل و نقلی آذربایجان و ترکیه گردد (رشیدی، ۱۴۰۲: ۴۲).

یعنی اگر کریدور جدید قفقاز در محور جنوبی یعنی مرزهای ایران شکل گیرد و محور انرژی به نحوی که به ضرر ایران باشد ایجاد شود، قطعاً ضربه دیگری به موقعیت ژئوپلیتیک ایران وارد می شود. اگر یک لوله گازی در این منطقه کشیده شود باید توجه داشته باشیم که این تنها یک لوله گازی نیست بلکه یک کریدور استراتژیک است که باعث می شود کشورهایی که در این مسیر سهم دارند موقعیت ژئوپلیتیک با یکدیگر پیدا کنند. به نوعی سهام داران این کریدور که نمی دانیم چه کشورهایی هستند همسایگان جدید ما خواهند بود. یعنی این کشورها می توانند به دلیل محیط پیرامونی که این کریدور ایجاد می کند

تهدیداتی را برای ایران داشته باشند و ایران امنیت ملی خود را در چند کیلومتری مرزهایش در تهدید جدی ببیند (اخباری، ۱۳۹۹: ۲۶). به طور کلی این کریدور سبب از دست رفتن بسیاری از منافع مادی و غیر مادی ایران از جمله در زمینه سوآپ گاز، صادرات برق، وابستگی های ژئوپلیتیکی، قطع دسترسی به کریدور ها، قطع دسترسی زمینی به ارمنستان شده و مهم تر از همه اینکه ایران و موقعیت و مزیت آن می تواند امید کشور های محصور در خشکی این منطقه و منطقه آسیای میانه برای دسترسی به دریاهای آزاد باشد، از بین می رود و بسیار کم رنگ می شود. ایران نیز همواره مخالف خود را با احداث و بهره برداری از این کریدور اعلام کرده است و در مقاطع مختلف علیه آن جهت گیری کرده است و حتی با دایر کردن کنسولگری خود در استان سینویک ارمنستان سعی در نقش آفرینی فعال در این مسئله و مقابله با این پروژه را داشته است.

۶- کریدور زنگه زور و ارمنستان

ارمنستان در جریان مذاکرات بروکسل در مورد این کریدور، نسبت به افتتاح یک کریدور تردید داشت. ارمنستان به عنوان یک کشور محصور در خشکی از نظر ژئوپلیتیکی محدودیت های بسیار و ناگزیری دارد. در یک نظم منطقه ای، این کشور می باید

علايق كشورهاي اطراف خود را مورد ملاحظه قرار دهد. بنابر اين محاصره اقتصادي ارمنستان از سوي جمهوري هاي آذربايجان و ترقيه، بر اقتصاد آن تاثير مخربي داشته است. قطع خطوط ارتباطي با كشورهاي همسايه مشكلاتي را بر سر راه اصلاحات اقتصادي ارمنستان ايجاد كرده است (قيصري و گودرزي، ۱۳۸۸: ۱۲۷). در واقع شايد بتوان گفت كه جغرافياي ارمنستان نقش مهمي در سياست خارجي اين كشور دارد. محصور در خشكي بودن باعث وابستگي اين كشور به كشورهاي معبري است كه از راه آنان واردات و صادرات خود را انجام مي دهد. در حال حاضر بيشتر اين موارد صادراتي و وارداتي از ايران انجام مي شود به دليل اينكه ارمنستان روابط مناسبی با جمهوري آذربايجان و ترقيه ندارد و تقريباً مرزهاي اين دو كشور بر روي ارمنستان بسته مي باشد. حال اگر كريدور زنگه زور راه اندازي شود و مرز ايران و ارمنستان قطع شود به تبع آن گزينه هاي ارمنستان در انتخاب كشور معبر نيز محدود مي شود اين به طور مستقيم بر سياست خارجي ارمنستان تاثير خواهد گذاشت. اگر ايران را از بين كشورهاي معبر ارمنستان خط بنزيم كشورهاي باقي مانده داراي روابط مناسبی با ارمنستان نيستند و حتي ترقيه و آذربايجان جز كشورهاي دشمن به حساب مي آيند. بنابر اين دالان زنگه زور موجب انزوای هرچه بيشتر ارمنستان و محاصره

همه جانبه آن شده و طبیعتاً این کشور به دنبال یارگیری های بیشتری چه در سطح منطقه و چه فرا منطقه خواهد بود که ممکن است پای بازیگران جدید را به منطقه قفقاز جنوبی باز کند.

۷- اثرات کریدور زنگه زور بر قدرت های فرا منطقه ای

در راهبرد جدید امنیت ملی ترکیه، بحران قره باغ، مهمترین عامل نا امنی در قفقاز به شمار می رود (بنی هاشمی، ۱۳۸۸: ۱۲۴). از طرف دیگر ترانزیت ترکیه به جمهوری آذربایجان و آسیای میانه عمدتاً به وسیله کامیون از طریق ایران صورت می گیرد و سالانه بیش از ۴۳ هزار کامیون ترکیه از ایران به آسیای میانه عبور و مرور می کنند. ترکیه وقتی بیند کالاهایش دیگر از مسیر ایران ترانزیت نمی شوند، ممکن است برای صادرات کالاهای ایران به اروپا مشکل آفرینی کند. امروزه با توجه به درگیری روسیه در اوکراین کفه ترازوی کنشگری به سمت ترکیه سنگینی می کند و به نظر می رسد با اجرای برنامه ساخت کریدور زنگه زور ترکیه می تواند این موقعیت را تا حدود زیادی نهادینه کند. برخی از تحلیلگران بر این باورند که حتی ارمنستان نیز به سمت ترکیه گرایش پیدا کرده و دولت پاشینیان خواهان عادی سازی روابط با این کشور است تا از این رهگذر از زیر نفوذ محور روسیه-

ایران رها شود. به باور آن ها موافقت با تخلیه قره باغ را باید در این چارچوب مورد تحلیل قرار داد که در ادامه می تواند به موافقت با ساخت کریدور زنگه زور مطابق با برنامه های محور ترکیه - آذربایجان منتهی شود (رشیدی، ۱۴۰۲: ۴۳-۴۱).

برخی از افراد، مداخله ترکیه در بحران قفقاز را بخشی از سیاست های نوعثمانی اردوغان و در ادامه اقدامات ترکیه در سوریه، عراق، لیبی و جاهای دیگر تفسیر می کنند. اساساً پروژه جنگ دوم قراباغ یک پوشش برای ایجاد دالان موهوم تورانی از ترکیه به سین کیانگ چین و ایجاد یک قانون جدید نا امنی علیه ایران، روسیه و چین می باشد که تغییرات ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئوکالچرال در ورای اهداف اعلامی آن وجود دارد. ترکیه در لوای حمایت از جمهوری آذربایجان هم نیروهای خود و هم جنگجویان تکفیری را وارد این کشور کرده است. طبیعی است که در صورت بروز چالش در روابط دو کشور، این نیروها می توانند علیه جمهوری آذربایجان دست به اقدام بزنند. این امر به خصوص در ارتباط با گروه های تکفیری سوری برای کشور شیعه مذهب جمهوری آذربایجان، با وجود حکومت سکولار آن، تامل برانگیز خواهد بود. وجود این گونه گروه ها نه تنها باعث تحریک گروه های شیعه گرا در داخل جمهوری آذربایجان می شود و ثبات درونی آن را مختل می سازد، بلکه

می تواند اقدامات کنترل‌ی از طرف ایران و تا حدودی روسیه را به دنبال داشته باشد. همچنین گسترش روابط با اسرائیل و وابسته شدن جمهوری آذربایجان به آن می تواند سوءاستفاده های سیاسی اسرائیل از فضای جغرافیای این کشور علیه رقبای منطقه ای و دشمنان خود به خصوص ایران را به دنبال داشته باشد. در صورت تهدیدات اسرائیل از سمت جمهوری آذربایجان علیه ایران و روسیه، سیاست های محصورسازی این کشورها در مورد جمهوری آذربایجان تقویت و باعث افزایش روابط آنها با ارمنستان خواهد شد (امیری و کاظمی، ۱۴۰۰: ۴۵).

ترکیه برای رسیدن به دریای کاسپین و احیای راه ابریشم انرژی در تلاش بوده است. ترکیه قصد دارد با ایجاد کریدور زنگزور، گاز و نفت ترکمنستان و دریای کاسپین را با همکاری بریتیش پترولیوم و آگزموبیل به جیهان و سپس به اروپا و جهان صادر کند. این خط، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک شمال ارس را تغییر خواهد داد (اخباری، ۱۳۹۹: ۲۶) و سایه ترکیه بیش از پیش بر روی این منطقه خواهد افتاد. اجناس و خدمات ترکیه ای از راه این کریدور بدون زحمت به بازار بکر آسیای مرکزی که پیش از این آماج حملات فرهنگی ترکیه بوده، خواهند رسید و منافع سرشار و مواد خام به ترکیه سرازیر می شوند.

درباره روس ها نیز باید گفت که روس ها وقتی در این منطقه حاکم شدند برای این منطقه یک سیستم تولید امنیت پایدار بر پایه چینش قومی طراحی کردند. بدین ترتیب که توسط خود این اقوام در این منطقه امنیت تولید کردند و هزینه زیاد امنیت را متوجه مسکو نکرده و بازی قومی و درگیر شدن این اقوام با خودشان باعث می شد تا به فکر حرکت به سمت دولت مرکزی مسکو نباشند. همچنین به صورت خاص برای اینکه آذری ها را کنترل کنند بخشی از این جمعیت شیعه مسلمان را که در منطقه قره باغ زندگی می کردند را کوچ دادند و به جای آنها بخشی از نیروهای ارمنی را در آنجا و در کنار مسلمانان مستقر کردند (اخباری، ۱۳۹۹: ۲۱).

بر اساس توافقنامه صلحی که پس از جنگ دوم قره باغ شکل گرفت نیز مقرر شده که روس ها حفاظت از دالان زنگه زور را عهده دار باشند که حضور در چنین منطقه حساس و مهمی که چندین سال است عرصه رقابت قدرت های منطقه و فرا منطقه است می تواند برای روس ها با اهمیت باشد اما اکنون نیز روس ها با توجه به جنگ اوکراین در حال پایان دادن به حضور خود در قفقاز جنوبی هستند و همین باعث یکسری جابه جایی در نقش های ژئوپلیتیکی خواهد شد.

۸- اهمیت کریدور زنگه زور برای جهان ترک و گسترش پان ترکسم توران‌گرایی

از همان روزهای نخست این ماجرا (تاسیس جمهوری آذربایجان) و حتی پیش از اعلان رسمی این نامگذاری در تابستان ۱۲۹۷ شمسی (۱۹۱۸م) بسیاری از ایرانیان به روشنی می‌دانستند که «آذربایجان» نامیدن مناطق جدا شده (در نتیجه، قراردادهای تحمیلی ترکمنچای و گلستان) جز طرح و تمهیدی برای اجرای یک تلاش الحاق گرایانه آتی، چشم طمع دوختن به آذربایجان راستین انگیزه دیگری ندارد (بیات، ۱۳۸۵: ۱۱).^۱

علی‌اف نیز هنگام میزبانی اردوغان در زنگلان در ۲۷ اکتبر ۲۰۲۱ گفت: «کریدوری که قرار است از اینجا بگذرد، کل جهان ترک را متحد خواهد کرد». وی این موضوع را در نشست سازمان کشورهای ترک در ۱۲ نوامبر ۲۰۲۱ تکرار کرد و افزود: «این کریدور برای کشورهای ترک به یک حلقه ارتباطی با اروپا تبدیل خواهد شد» (رشیدی، ۱۴۰۲: ۴۵-۴۴). با باز شدن قفل زنگزور، یکپارچگی جغرافیا از چین تا مجارستان امکان‌پذیر می‌شود.

^۱ . محمد امین رسول‌زاده بیان‌گذار کشور جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۱۸ میلادی در صفحه ۱۱ از کتاب خود با عنوان [آذربایجان جمهوری، کیفیت تشکیلی و شیمدیکی وضعیتی] که در سال ۱۹۲۲ میلادی در استانبول منتشر گردیده است، در توضیح حدود آذربایجان می‌نویسد: «پیش از جنگ جهانی اول و بر اساس جغرافیای رسمی، آذربایجان در شمال [غرب] ایران قرار داشته و به تبریز و حوالی آن گفته می‌شد». (رسول‌زاده، ۱۹۲۲).

شود. بدیهی است که با تکمیل شبکه های حمل و نقل در کریدور زنگزور، اهمیت این منطقه بیشتر خواهد شد. برای ترکیه مهم است که مسیری هموار در روابط خود با جهان ترک داشته باشد. این روند به جهان ترک این امکان را می دهد که هم غنی شود و هم متحد شود و به یکدیگر کمک کنند (آکینجی و کابا، ۲۰۲۳: ۱۰۲-۱۰۳).

نکته مهم دیگری که باید در این رابطه بدان اشاره کرد دسترسی مستقیم ترکیه به بازار آسیای میانه از راه این کریدور است. آسیای میانه همواره برای ترکیه به عنوان وطن ترکان شناخته می شود و ترکیه از سال های دراز سعی داشته با ابزار های فرهنگی کنترل اذهان مردمان این منطقه را بدست بگیرد. در این راه از ابزار های متعدد فرهنگی همچون مجمع سران کشور های ترک زبان، بورسیه های تحصیلی متعدد، فیلم های ترکی، موسیقی و شعر و... در قالب نهاد ها و طرح های مختلف استفاده و سعی در جذب نخبگان این کشور ها و تاثیرگذاری بر روی آن ها انجام شد. هدف اصلی این گونه اقدامات ترکیه پیش زمینه اقتصادی داشت و طبیعتاً بازار تقریباً دست نخورده آسیای میانه در نبود رقبای قدرتمند و تبلیغاتی که برای ترکیه در این کشور ها می شود، انگیزه بسیار جذابی برای ترکیه است که این کریدور

زنگه زور کلید دسترسی زمینی ترکیه به این منطقه و از طرف دیگر حذف آلترناتیو قدرتمند منطقه یعنی ایران است.

با این محاسبات احداث این کریدور باعث تقویت توران گرایی می شود که طبیعتاً از قبل آن منافع اقتصادی نیز کسب خواهد شد. ترکیه با سواپ شدن در این مسیر هم منافع اقتصادی سرشاری کسب خواهد کرد و هم با افزایش تاثیرگذاری خود بر این کشور ها باعث گسترش ایده توران گرایی خواهد شد و ایده الفبای واحد ترک و بانک ترک نیز با یکپارچه شدن جغرافیا پیشرفت بیشتری خواهد داشت.

۹- نظم نوین منطقه ای بر اثر احداث کریدور زنگه زور

آسیای میانه و حوزه دریای کاسپین دارای منابع سرشاری هستند که طبیعتاً تسلط بر کریدور ارسالی این منابع برای هر کشوری می تواند از اهمیت خاصی برخوردار باشد. داستان احداث و مسیر عبوری این کریدور یکی از مسائل مهم قفقاز جنوبی است که موجب دخالت و نقش آفرینی قدرت های منطقه ای و فرا منطقه در آن شده است. حتی کشور روسیه نیز که پس از جنگ اوکراین تا حدودی نقش کمتری در منطقه داشت اکنون فعالانه در حال حمایت از جمهوری آذربایجان برای احداث و بهره برداری از این کریدور است.

ضروری است ایران یک بازنگری اساسی نسبت به قفقاز داشته باشد چرا که در این مسیر کریدور انرژی جدیدی شکل خواهد گرفت که کمپانی های بزرگ وارد آن خواهند شد همچنین در جنوب قره باغ کریدور گازی ایجاد و شرکت های بزرگی مانند بریتیش پترولیوم وارد خواهند شد که قراردادهای آن هم امضا شده است (اخباری، ۱۳۹۹، ص. ۲۸).

چین نیز رویکرد متفاوتی نسبت به موضوع کریدور زنگزور دارد. چین دالان زنگه زور را صرفاً مسیری خواهد دید که مسیر جاده ابریشم را تکمیل و به اروپا متصل می کند. این یک جایگزین برای کریدور جنوبی است که از ایران می گذرد. از جمله دلایلی که ایران به کریدور زنگزور بیشتر از ارمنستان واکنش نشان داد، کاهش وابستگی تجاری ارمنستان را می توان برشمرد. با این حال، کریدور زنگزور که تحت الشعاع اختلافات بر سر کریدور لاجین قرار دارد، برای آذربایجان بسیار مهم است و به نظر می رسد پیوند متقابلی بین این دو کریدور ایجاد کرده است. بنابراین آذربایجان در نهایت انرژی خود را به سمت افتتاح کریدور زنگزور مصروف خواهد کرد. اگر ایران به هر بهانه ای خطرات را افزایش دهد، این به این معنی است که اسرائیل و ترکیه حضور خود را به نفع آذربایجان به شدت بیشتر خواهند کرد (یاشین، ۲۰۲۳: ۳).

نتیجه گیری

پیروزی جبهه باکو و آنکارا در مسئله کریدور زنگه زور باعث می شود که ایران بزرگترین بازنده منطقه ای آن باشد زیرا علاوه بر تاثیرات عمیقی که این مهم بر توان ژئوپلیتیکی و اقتصادی و سیاسی ایران می گذارد، باعث محدود شدن منطقه تمدنی ایران با حذف از مسیر این کریدور ها می شود، یعنی ارتباط ایران با حوزه تمدنی خودش در قفقاز محدود شده و به تبع آن عمق استراتژیکی که به واسطه این میراث مشترک ساخته و پرداخته شده بود دچار انزوا و سستی و عقب نشینی می شود.

به همین دلیل است که ترکیه و روسیه همواره در حال فشار بر ایران برای پذیرفتن این طرح هستند؛ همچنان که روسیه برای اجرای این کریدور به طور رسمی وارد عمل شده است. در واقع با افتتاح این کریدور دو کشور مهم منطقه از دور رقابت خارج می شوند، یکی ارمنستان که راه های ارتباطی آن تحت نفوذ جبهه ترکیه - جمهوری آذربایجان قرار خواهد گرفت و کاملاً به حالت وابستگی و عدم استقلال دچار خواهد و دومین کشور مهم ایران است که به دلیل رقابت های ترکیه با ایران در سایر مناطق مثل سوریه و عراق و آسیای میانه، این کریدور موجب دست بالای ترکیه به خصوص در آسیای میانه نیز خواهد شد و

به تبع آن دست بالای ترکیه منجر به افزایش نفوذ و سیاست های ترکی سازی و به دنبال آن عقب نشینی حوزه تمدنی ایران در این منطقه است چون پیشتر زمین بازی قفقاز موجب می شد که رقابت در سایر مناطق تحت تاثیر این عامل نیز افت و خیز هایی داشته باشد. در صورت افتتاح کریدور زنگه زور ترکیه با این اقدامات به قوی ترین بازیگر قفقاز جنوبی تبدیل خواهد شد که در نتیجه آن سیاست منطقه گرایی ترکیه با گسترش نقش آفرینی در قفقاز و آسیای میانه به اوج خواهد رسید و ترکیه که پس از فروپاشی شوروی دچار خلاء نقش راهبردی شده بود اکنون در همین منطقه و دیگر مناطق دارای نقش های مهمی خواهد شد. از طرفی دیگر کریدور زنگه زور علاوه بر اتصال نخجوان به خاک اصلی جمهوری آذربایجان و تاثیرات ژئوپلیتیکی و اقتصادی و سیاسی آن، منجر به تحکیم قدرت خاندان علی اف و همچنین گسترش حسن ملی گرایی در جمهوری آذربایجان خواهد بود و همین مورد اخیر ممکن است موجب پررنگ تر شدن پانترکیسم در ایران شود. البته ذکر این نکته نیز ضروری است که اروپایی ها و حتی ترکیه ای ها در تعریف «قومیت» در ایران دچار خطاهایی هستند و قومیت را مساوی با تجزیه طلبی یا غیر ایرانی بودن فرض می کنند.

بازیگر دیگر این منطقه روسیه است که انگار در توافق نانوشته با محور ترکیه - آذربایجان است که اثبات این مدعا عملکرد خود روس ها در این منطقه است. روس ها همواره از اظهار نظر شفاف و واضح در خصوص زنگه زور پرهیز کرده اند اما عملکرد روس ها به ویژه پس از جنگ دوم قره باغ به نفع محور ترکیه - جمهوری آذربایجان بوده است. ذکر این نکته ضروری است که تنها پایگاه روسیه در منطقه قفقاز جنوبی در ارمنستان واقع شده است و ارمنستان با امضای توافقی امنیت خود را به روسیه سپرده بود اما در جریان جنگ دوم قره باغ که منجر به برتری جمهوری آذربایجان در منطقه شد و رهبران آذربایجان را به پیگیری جدی پروژۀ زنگه زور تحریک کرد، روسیه هیچ واکنشی از خود نشان نداد که البته همین انفعال به نفع جمهوری آذربایجان تمام شد. حتی در توافقی که در ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۳ بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان با میانجگری روسیه امضا شد، جمهوری خود مختار آرتساخ و ارتش آن منحل شدند و این مناطق به تصرف نیروهای باکو در آمد. البته درمورد روسیه ذکر این نکته ضروری است که بیشتر کشورهایی که متحد استراتژیک آن بوده اند همواره در برهه هایی از عدم وفای به عهد و مسئولیت پذیری مسکو انتقاد کرده اند.

درگیری روس‌ها در جبهه اوکراین نیز تاثیر زیادی بر منطقه قفقاز و حتی عقب نشینی روس‌ها داشته است. در هر حال باید گفت که خروج روسیه برابر است با آمدن و نفوذ هرچه بیشتر ترکیه در این منطقه به عنوان متحد باکو که این حضور بیشتر ترکیه مساوی است با فشار بر ایران برای اجرای طرح‌هایی چون کریدور زنگه زور که منجر به اتصال زمینی ترکیه به آسیای میانه شده و ترکیه را در نقش یک واسطه مهم در معادلات منطقه و اروپا برجسته می‌کند. این افزایش نقش آفرینی منجر به تضعیف نقش ایران و از بین رفتن مزیت‌های ژئوپلیتیکی آن کشور می‌شود.

از طرف دیگر باید گفت انزوای ارمنستان و دور شدن آن از روسیه منجر به نزدیکی بیشتر آن به غرب می‌شود. مجموع این عوامل باعث کاهش نفوذ روسیه در منطقه شده است که به تبع آن نقش آفرینی روی‌ها نیز در منطقه کمتر خواهد شد. یادآوری می‌شود که نیروهای روسی هرگز به طور داوطلبانه منطقه‌ای را ترک نمی‌کنند. رفتن روس‌ها نیز منجر به تقویت نقش ترکیه شده و این تقویت نقش منجر به اجرای بیشتر سیاست‌های پان ترکیستی و تحت الشعاع قرار دادن ایران می‌شود.

در نهایت باید گفت که با بهره‌برداری احتمالی از این کریدور دگرگونی‌های بزرگی هم در روابط منطقه‌ای کشورها و هم در

روابط فرا منطقه ای رخ می دهد که همین موجب بازتولید روابط و نقش های جدید یا رهایی از وابستگی برخی کشورها به یک دیگر یا ایجاد وابستگی های جدیدی خواهد شد که در نتیجه آن چهره منطقه به کلی دچار دگرگونی خواهد شد و منطقه جمهوری آذربایجان که روزی با نام «آران» جزئی از خاک ایران بود به سمت قطع هرچه بیشتر وابستگی ژئوپلیتیکی و تاریخی و فرهنگی خود خواهد رفت و احداث این کریدور موجب تغییر الگوی روابط قدرت و روابط کشور های منطقه و فرا منطقه خواهد شد. بنابراین اثرات یک ارزش جغرافیایی موجب تحت تاثیر قرار گرفتن چندین قدرت منطقه ای و فرا منطقه و الگوی های روابط و تعاملات آنها شده و نفوذ یک محور را افزایش داده و باعث کاهش نفوذ محور دیگری خواهد شد، بنابراین احداث یک کریدور باعث این حجم از تغییرات در روابط بین این کشورها شده و بازیگران جدیدی به این بازی منطقه ای اضافه شده و بازیگران دیگری از آن خط خورده یا در بهترین حالت نقششان کمرنگ می شود.

منابع

۱. احمدی، سیدعباس، حافظ نیا، محمدرضا، بدیعی ازندهای، مرجان، و حیدری موصول، طهمورث. (۱۳۹۷). تبیین نظری بسترهای شکل گیری رقابت های ژئوپلیتیکی. مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمان، ۵۰ (۱)، ۱۹۹-۲۱۶.
۲. اخباری، م. (۱۳۹۹). پیامد ژئوپلیتیک بحران قره باغ بر مناسبات جمهوری اسلامی ایران در قفقاز. فصلنامه آمایش سیاسی فضا، دوره ۳، شماره ۱، ۳۰-۲۰.
۳. امیری، ع.، & کاظمی، ا. (۱۴۰۰). جمهوری آذربایجان در جنگ دوم قراباغ: اهداف و پیامدهای ژئوپلیتیکی (با تأکید بر رویکردهای رسانهای). پژوهشنامه رسانه بین الملل/ سال ششم/ شماره اول، ۵۷-۲۹.
۴. امیری، م.، & فلاحی، ا. (۱۴۰۱). ژئوپلی نومی روابط ایران با جمهوری آذربایجان و ارمنستان. مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۵، شماره ۲، ۱۰۱-۷۳.
۵. امینی، د. (۱۴۰۱). تحلیلی بر عوامل جغرافیایی برتر ساز در منطقه عملیات (مطالعه موردی جنگ دوم قره باغ-۲۷ سپتامبر تا ۱ نوامبر ۲۰۲۰م). فصلنامه مدیریت نظامی، سال بیست و دوم، شماره ۱، ۱۸۹-۱۵۹.
۶. بنی هاشمی، م. (۱۳۸۸). چشم انداز توازن قدرت در قفقاز در پرتو تحول در روابط ترکیه - ارمنستان. فصلنامه مطالعات راهبردی. سال دوازدهم. شماره چهارم. شماره مسلسل ۴۶، ۱۴۴-۱۱۶.
۷. بیات، ک. (۱۳۸۵). روزنامه: ایران شمالی، آیا جواب «های»، «هوی» است؟. مجله گفتگو، شماره ۴۷.
۸. رسول زاده، م. (۱۹۲۲). آذربایجان جمهوری، کیفیت تشکیلی و شیمدیکی وضعیتی. استانبول: آذربایجان نشریاتی، سایه ۱.

۹. رشیدی، ا. (۱۴۰۲). کریدور میانی و منافع ایران در قفقاز جنوبی. *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال بیست و نهم، شماره ۱۲۱، ۵۴-۲۷*.
۱۰. قیصری، ن. & گودرزی، م. (۱۳۸۸). روابط ایران و ارمنستان: فرصتها و موانع. *مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۳، ۱۴۴-۱۲۱*.
۱۱. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، انتشارات سمت، تهران*.
۱۲. مشفق، ز. (۱۴۰۱). پیامدهای ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی اجرای مسیر زنگه زور بر امنیت اقتصادی ایران. *ماهنامه علمی «امنیت اقتصادی»، مقاله پژوهشی، سال دهم، شماره ۱۰، ۴۸-۴۱*.
۱۳. نورعلی، ح. & پیشگاهی فرد، ز. (۱۴۰۰). نظریه ساختار ژئوپلی نومیک نظام جهانی، *مجله پژوهش های جغرافیای سیاسی، سال ششم، شماره سوم، ۵۹-۱۳*.
۱۴. _ یورونیوز فارسی، چرخش به غرب؛ نیکول پاشینیان: اتکای صرف ارمنستان به روسیه یک اشتباه راهبردی بود، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲، ۰۶، ۲۱، قابل دسترسی در: <https://parsi.euronews.com/2023/09/03/armenian-pm-says-depending-solely-on-russia-for-security-is-a-strategic-mistake>.
۱۵. _ روزنامه آرمان امروز، باخت ایران در دالان زنگزور، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲، ۰۶، ۱۸، قابل دسترسی در: <https://www.pishkhan.com/news/279032>.
۱۶. _ خبرگزاری فارس، اردوغان: گشایش «کریدور زنگزور» مسئله ای با ایران است نه ارمنستان، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۲، ۰۶، ۲۸، قابل دسترسی در: <http://fna.ir/3d05gb>.

17. AKINCI, A., & KABA, S. G. (2023). Kafkasya'nın Jeopolitik Önemi: Dağlık Karabağ ve Zengezur Koridoru Örneği. *Ekonomi İşletme Siyaset ve Uluslararası İlişkiler Dergisi (JEBPIR)*, 9(1), 88-106, Araştırma Makalesi.
18. Bayburt Gündem Gazetesi. Zengezur koridoru, Turan Yolu açılıyor, ulaşım tarihi: 2023.09.20, ulaşabilmek için: <https://www.bayburtgundem.com/zengezur-koridoruturan-yolu-aciliyor>.
19. Darzloo, A. (2023). ORTA ASYA'DA AK PARTİ DÖNEMİNDE TÜRKİYE KÜLTÜREL DİPLOMASİSİNİN SÖYLEMLERİ VE BİLEŞENLERİ (2002_2021). *TAHRAN ÜNİVERSİTESİ, DÜNYA ÇALIŞMALARI FAKÜLTESİ, Türkiye Çalışmaları Bölümü, Yüksek lisans Tezi*.
20. Dalby, T and Routledge, S., 1994, *The Geopolitics Reader*, London, Routledge.
21. DIZDAROĞLU, C., & SAYAN, P. (2022). TÜRKİYE'NİN DIŞ POLİTİKASINDA ÖNE ÇIKAN UYUŞMAZLIKLAR. *İSTANBUL POLİTİK ARAŞTIRMALAR ENSTİTÜSÜ, POLİTİKA RAPORU*.
22. KONURALP, E. (2022). *ZENGEZUR KORİDORU'NUN BÖLGESEL KALKINMA VE EKONOMİK BÜYÜMEDE STRATEJİK ÖNEMİ ÇALIŞTAY RAPORU*. Erzurum, ISBN: 978-605-70780-3-2: KALKINMA AJANSLARI GENEL MÜDÜRLÜĞÜ, SERHAT KALKINMA AJANSI ve İĞDIR ÜNİVERSİTESİ.
23. YAŞIN, G. K. (2023). *VAROLUŞSAL KRİZLER: İRAN, İSRAİL, AZERBAYCAN, ERMENİSTAN*. <https://avim.org.tr/tr/Analiz/VAROLUSSAL-KRIZLER-IRAN-ISRAIL-AZERBAYCAN-ERMENISTAN> : (AVİM) Avrasya İncelemeleri Merkezi, Analiz No : 2023 / 14.